

بسم الله الرحمن الرحيم

چهل و یکمین مجمع هم افزایی فعالین تربیتی

با ارائه دکتر رضا مهکام

در بحث علم دینی یک نگاه آقای جوادی است که خواستگاه تمام علوم را دین و خواستگاه آن را خداوند متعال می دانند.

دیدگاه دیگر فرهنگستانی ها هستند که از ب بسم الله تا تا تمت را میگویند علم باید وامدار دین باشد.

نگاه دیگر نگاه آیت الله مصباح است که علمی که بشر به آن دست یافته میتوانیم ازش استفاده کنیم و طبیعتا از عقل و نقل هم میتوانیم استفاده کنیم و از اشراق و عرفان هم میتوانیم استفاده کنیم.

ما دلائل متعددی برای این مسئله داریم که از همه مشخص تر اطلبوا العلم ولو بالصین است که اگر بخواهیم علم دیگران را استفاده کنیم نه تنها نهی نشدیم بلکه به آن توصیه هم شدیم. در فرمایشات مقام معظم رهبری هم هست که میتوانیم علم را از نگاه های مختلف استنباط کنیم زیرا یک بار علم را ایدئولوژی میدانیم و یک بار علم را کشف قوانین حاکم بر جهان میدانیم در واقع خداوند متعال موجودات مختلف را خلق کرده و بشر هم با عقل خودش اکتشاف میکند و چیزهایی را بدست می آورد به همین دلیل لزوما تمام یافته های بشری الحادی و ضد دینی نیست و بخش قابل توجه آن توسط بشر کشف شده و میتواند مفید واقع شود و ما قرار نیست که هر یافته بشری را پس بزنیم به این خاطر که لزوما توسط فرد غیر موحد ایجاد شده.

مثلا آقای پیائز یک فرد معمولی و فیزیولوژی و اکولوژیست است و در تربیت کودک کار کرده و ایشان تئوری شناخت را بیان کردند و گفتند که ما یک اس او آر داریم یعنی محرک به ارگانیسم وارد میشود و جعبه ای که درش اطلاعات وارد میشود در داخل جعبه اطلاعاتی وارد میشود که باید اون پاسخ را بدهد. لزوما اینگونه نیست که هر وقت مشتش زدم همیشه گریه دیده شود و این نشان میدهد که در داخل ارگانیسم یک پردازش اتفاق می افتد و این پردازش یک پاسخ ایجاد میکند و اسم این شد پردازش خبر و از آن به دیدگاه شناختی رسید و انواع شناخت ها را مطرح کرد و از نظر اسلام این دیدگاه شناختی به نظریه اسلام بسیار نزدیک است.

اینکه پیازه مسلمان نیست و از دیدگاه مسیحیت دینداری نگرفته پس باید کل یافته‌های پیازه را کنار بگذاریم؟ حضرت آیت الله مصباح میگویند این یافته‌های بشری است ولی لزوما هرچه یافته بشری است به معنای یافته‌های ملحدانه نیست مثلا آقای پیازه دو گلوله خمیر را به بچه نشان میدهد و یکی از گلوله ها را شروع به دراز کردنش میکند و بچه باز میفهمد که این همان است و ایشون متوجه میشود که کودک در سن ۴ سال و ۸ ماهگی کودک مفهوم حجم را میفهمد و اصطکاک یک تعداد یافته بشری است و بخش قابل توجهی از یافته های علوم یافته‌هایی است که ما میتوانیم از آن ها استفاده کنیم زیرا صرفا کشف حقائق طبیعت است و در روانشناسی این مسئله بیشتر از علوم دیگر است زیرا ما در روانشناسی به احساس، رفتار و واکنش انسان کار داریم در حالیکه در علمی مثل روانشناسی، حقوق و اقتصاد با افکار تولید شده آدم ها کار داریم. روانشناسی بر خلاف نگاه خیلی از آدم ها در فضای کشف حقائق و تجربی تر از علوم دیگر است.

بنابر این علوم مانند جامع شناسی یا علوم سیاسی بیشتر به ایده ها و انگیزه های انسان ها بر میگردد و در روانشناسی کشف واقعیاتی مطرح میشود که در بشر وجود دارد مثل یادگیری و بسیاری از این ویژگی ها به جهان بینی ارتباطی ندارد و یک یافته خالص بشری است و حضرت آیت الله مصباح میفرمایند ما تمام یافته های بشری را که از بخش عقل گرفته شده یک فیلتر میگذاریم و آن فیلتر این است که مبانی انسان شناختی، معرفت شناختی و جهان شناختی را استخراج میکنیم و هر چی یافته بشری است از فیلتر مبانی میگذرانیم و آنهایی که مناسبت داشت قبول میکنیم و آنهایی که مناسبت ندارد کنار می گذاریم علاوه براینکه از منابع دینی مفاهیمی را استخراج می کنیم و به این علم اضافه می کنیم آن زمان یک علم دینی تشکیل می شود.

پس اول مبانی آماده می شود و چیزهایی که با مبانی ما سازگار بودند میپذیریم و چیزهایی که ناسازگار بودند کنار گذاشته می شوند. در علم روانشناسی این مسئله به ظهور رسیده و بحث های مفصلی در این زمینه انجام شده است.

ما یک کتابی داریم به نام رویکردهای روش مداخله ای در روش روانشناسی، حضرت آیت الله مصباح در ۷ جلسه یک مباحثی را به نام علم دینی در دانشگاه قم بحث کردند و پسر ایشان این مباحث را منظم کردند و پیاده و مرتب کردند به نام علم و دین و شما گوشه ای از این مباحث را ببینید ایشون تناسب بین علم و دین را مطرح و ۱۱ نوع تناسب را مطرح می کند.

ایشون در مسائلی بحث می‌کند:

۱. علمی با خواستگاه اسلامی
 ۲. علمی با موضوع اراده الهی: اگر کسی یک بررسی علمی انجام می‌دهد و معتقد است که اتفاقاتی که در طبیعت افتاده با اراده الهی است باز به نوعی علم دینی به حساب می‌آید.
 ۳. علمی که با موضوع قول یا فعل الهی اتفاق می‌افتد: قول الهی مانند علومى مانند تفسیر
 ۴. علم غیر مخالف با آموزه‌های دینی: علمی که شاید اصلاً اسلامی نباشد ولی وقتی آن را ارائه به دین میکنیم مخالفتی با هیچ کدام از مبانی ما نمی‌کند.
 ۵. علم سازگار با آموزه‌های دینی: از مبانی و محتوای دینی گرفته شده است
 ۶. علم استنباط شده از منابع دینی
 ۷. علوم چند روشی با استفاده از مبانی دینی: علومى که با دو یا چند رشته قابل بررسی هستند مثل اثبات خدا که با آیات و روایات و عقل قابل اثبات هستند.
 ۸. علم صرفاً تعبیدی مثلاً عبادت شناسی که کاملاً تعبیدی هستند و اینکه چرا نماز صبح باید دو رکعت باشد یا ... کاملاً تعبیدی هستند.
 ۹. علمی با روشی معتبر نزد دین؛ علم اصول هیچ ربطی به دین ندارد و یک علم عقلانی است و تعدادی از اشخاص نشستند و فکر کردند که با یک سری قواعد عقلی از آیات و روایات استخراج کنند.
 ۱۰. علمی با مسائل دینی
 ۱۱. علمی که برای اثبات دین به آن نیاز است مثل فصاحت و بلاغت و لغت و علم ادبیات عربی که علم آلی و مقدمی هستند برای اینکه بتوانیم در آن‌ها از آن استفاده کنیم.
- علامه مصباح به ۱۱ مدل علم اشاره می‌کنند و اینکه برخی از آقایان چشم‌هاشون رو می‌بندند و کلاً روی علمی که توسط افراد غیر دینی بدست آمده خط قرمز می‌کشند فکر کاملاً غلط و رفتار افراطی است و آنچیزی که دیگران کشف کردند با توضیحی که قبلاً گفتیم که یافته صرف بشری است ما این‌ها را داشته باشیم و بعد بگیم شما غلط کردید این کار را کردید ما میریم از اول پیدا میکنیم.

در مباحث آیت الله مصباح ما بارها شنیدیم که قریب به دو سوم یا ۷۰ درصد علم روانشناسی موجود کاملاً قابل استفاده است. استفاده از روانشناسی موجود ناشکری بزرگ خداوند است یعنی در علم اطلاعاتی وجود دارد که اگر ما استفاده نکنیم از دستمان رفته است.

در فضای اسلامی سازی کاری که در مراکز مختلف وجود دارد کار اسلامی سازی علوم چگونه انجام می شود گاهی مفهوم سازی میکنیم و گاهی آزمون میسازیم و گاهی پروتوکل درمانی میسازیم. مثلاً کسی بخواهد تست انصاف بسازد میبیند هر چیزی که در آیات و روایات است میبیند و از شیوه های مختلف فهم حدیث استفاده کرده و مفاهیمی را از آیات و روایات استخراج میکند و اینکه این مفاهیم درست از آیات و روایات گرفته شده یا نه و اینکه این تست درست گرفته شده خبره گرایی و نخبه گرایی میکنند مثلاً ۵۰ آیه انتخاب شده و از آن ها ۱۰۰ روایت انتخاب در ده مفهوم آن ها را جمع بندی میکنم و میدیم به یک سری اساتید آن ها تیک میزنند و بعد با یک فرمولی اگر دیدیم که درصد قابل توجهی از افراد این را تأیید کردند این مفهوم مفهوم درستی است و بعد از آن به عنوان یک مفهوم اسلامی ازش استفاده میشود مثلاً ما میرویم سراغ آیات و روایات و از این موارد مفهوم استنباط می کنیم.

شیوه های اسلامی سازی مشاوره:

۱. یکی از مباحثی که در صحبت های علامه مصباح بود عدم مخالف بود کسی که تکنیک های روان شناختی را بلد باشد و مبانی اعتقادی اسلامی را بشناسد و احکام اسلامی را نیز بشناسد میتواند راهنمایی و مشاوره دهد.

درست است من کار اسلامی نمیکنم ولی کاری که خلاف اسلام باشد انجام ندهم و حداقل کاری که میتواند انجام دهد این است که این تکنیک ها مخالفتی با اسلام نداشته باشد

۲. مشاوره با هدف قرب الی الله: فروید و رفتارگرایی هر کدام یک مکتب هستند و اندیشمندان مختلفی کمالی را به عنوان انسان سالم در نظر میگیرند و وقتی من میخواهم وارد مکتبی بشوم حفظ سلامت روانی، سازگاری با استعدادها حل مشکلات روانی اجتماعی و ... در مسیر قرب الی الله باشد این مشاوره اسلامی است. مهم این است که مسیری که برای مراجعه کننده تعریف میکنم مسیر جدا شدن مراجعه کننده به خدا نباشد و هیچ خلاف شرع و گناهی توصیه نمیشود و تمام توصیه ها یا مباح یا در مسیر استحباب و وجوب است و اگر ما آمدم مدلی از راهنمایی و مشاوره و هدایت و راهبری را بگذاریم این نوعی از مشاوره اسلامی است.

۳. استفاده از مبانی، اصول و تمثیلات اسلامی که حدود ۴۰۰ شیوه مختلف را ایشان جستجو کرده و همش را معرفی کرده است و برخی اوقات خود فرد نمایش بازی میکند و بچه ها را وادار میکنیم که نمایش بازی کنند و مدل های مختلفی وجود دارد و یکی از این مدل ها نریتو تراپی است و همین الان جوان های زیادی از خواندن کتاب داستان راستان منبعث می شوند. یکی از شیوه های درمانی تمثیل درمانی است.

اگر فردی حکایات و تمثیلات اسلامی را بلد باشد میتواند مشاوره اسلامی از نوع نریتو تراپی انجام دهد.

۴. استفاده از روایاتی که دارای سیستم و نظام درونی هستند
برخی از آیات و روایات ما در درون خودشان نظام و سیستم درونی دارند که این سیستم کمک میکند که ما از روایات سیستم تربیتی بدست بیاوریم.

۵. تمام کار را از منابع دینی استفاده کنیم

در درمان کودکان ما سه جور درمان داریم:

۱. بازی محور

۲. اجتماع محور

۳. والد محور: درمان های والد محور را بش پی ام تی میگویند یعنی شیوه های یاد دادند مدیریت کودک به والدین. اولین مبدع این بحث آلن دیک کزدر بوده که من این را نمیشناختم و بعد از آن باش آشنا شدم.

ما همین را شروع کردیم در دبستان های قم ۱۰۰۰ کودک را تست گرفتیم و نزدیک ۳۰۰ نفر را استخراج کردیم و ارزیابی کردیم و ۶۰ بچه ناسازگار شناسایی و به دو گروه مساوی تقسیم کردیم و به گروه اول تکنیک هایی یاد دادیم و به این ۳۰ نفر به مادرانشان آموزش دادیم و از لحاظ علمی این اشخاص تفاوت معنادار اتفاق افتاد و به عنوان اولین پایان نامه درمان از آیات و روایات که نوشته و دفاع شد.

ما سطح مختلفی را از اسلامی سازی را داریم و کاری که در مؤسسه امام، دار الحدیث و مرکز اخلاق و تربیت و جاهای دیگری که اساتید مؤسسه کار میکنند اتفاقی که افتاده از این شیوه ها استفاده استخراج و استفاده میشود اما دوستانی مانند آقای عباسی ولدی چشم هایشان را می بندند و رسماً میگویند هر

چیزی که در مؤسسه کار می‌شود غیر اسلامی است. اخیراً ایشان یک سخنرانی یک ساعته داشتند و همه این مباحث را نقد کرده است.

کتاب‌های زیادی با این نگاه نوشته شده است.